

Policymaking on Addiction: Studying the Relationship between Addiction and the Effect of
Drugs on Children and Adolescents in Committing the Crime of Theft in Iran

Mahmoud Bahrami¹
Hassan Pourbafarani²
Mohsen Shekarchizadeh³

Received: 1 June 2025

Reception: 30 August 2025

Abstract

One of the most common crimes committed by children or adolescents in various forms is theft. On the other hand, there is a direct relationship between theft and drug addiction among children, because when addicted children and adolescents need money to get drugs, if their financial capacity does not allow them to buy drugs, they often use the easiest way, which is theft. In this article, while raising the question of what effect does drug use by children and adolescents have on committing crimes, especially the crime of theft? We will seek to prove that drug use by them increases delinquency and the crime of theft; These people usually commit simple and aggravated robberies such as house and store robberies, pickpocketing, and bag snatching. However, it is sometimes observed that these people take a different path in this criminality by joining much larger and more dangerous gangs. In these criminal gangs, they commit more violent robberies with weapons or under the leadership of one of the destructive gangs that steal and distribute opiates, especially psychotropic pills and glass. They commit crimes that can put their future on a completely different path. Therefore, in this research, we examine the subject by examining various aspects of the subject descriptively and analytically and using library resources, and we present the results obtained from it at the end.


¹PhD student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
²Associate Professor, Department of Law, Isfahan Branch, University of Isfahan , Isfahan , Iran

³Assistant Professor, Law Department, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan Branch, Iran


<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.526589.1294>


سیاستگذاری در اعتیاد: مطالعه رابطه‌ی اعتیاد و تأثیر مواد مخدر توسط اطفال و نوجوانان در ارتکاب جرم سرقت در ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

محمود بهرامی^۱ 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸

حسن پوربافرانی^۲ 

محسن شکرچی زاده^۳ 

چکیده

یکی از شایع‌ترین بزه‌هایی که توسط اطفال یا نوجوانان به صورت مختلف ارتکاب می‌یابد سرقت است. از سوی دیگر می‌توان میان سرقت و اعتیاد به مواد مخدر در میان اطفال به وجود یک رابطه مستقیم اشاره کرد، چراکه اطفال و نوجوانان معتاد هنگامیکه برای رسیدن به مواد مخدر نیازمند پول باشند، در صورتیکه توان مالی آنان اجازه خرید مواد را ندهد، غالباً از ساده‌ترین راه یعنی سرقت استفاده می‌نمایند. در این مقاله ضمن طرح این پرسش که استعمال مواد مخدر توسط اطفال و نوجوانان چه تأثیری در ارتکاب جرائم به ویژه جرم سرقت دارد؟ به دنبال اثبات این موضوع خواهیم بود که استعمال مواد مخدر توسط آنان موجب افزایش بزهکاری و ارتکاب جرم سرقت می‌شود؛ این افراد معمولاً مرتکب سرقت‌های ساده و مشدده‌ای همچون، سرقت از منزل، فروشگاه، جیب‌بری و کیف‌زنی می‌شوند، اما در این میان گاهی مشاهده می‌شود که این افراد با قرارگرفتن در باندهای به مراتب بزرگ‌تر و خطرناک‌تر این مسیر مجرمیت را به گونه‌ای دیگر سپری می‌کنند، آنان در این باندهای تبهکاری با انجام سرقت‌های خشن‌تر که همراه با سلاح و یا به سرکردگی یک نفر از باندهای مخرب سرقت و تهیه و توزیع مواد افیونی خصوصاً قرص‌های روانگردان و شیشه تشکیل شده است اقدام به جرائمی می‌کنند که می‌تواند آینده آنان را کاملاً در مسیر دیگری قرار دهد، از این‌رو در این پژوهش با بررسی ابعاد گوناگون موضوع به صورت توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای موضوع را بررسی و نتایج به دست آمده از آن را در پایان بیان می‌داریم.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان، استعمال مواد مخدر، بزهکاری، سرقت

^۱دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، ایران.

^۲دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان.

^۳استادیار، گروه حقوق، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، ایران.

استعمال و استفاده از مواد مخدر، به صورت تفننی و حتی خوگیری به آن، از جمله موضوعاتی است که در اکثر کشورهای جهاد دارای سابقه‌ی تاریخی طولانی می‌باشد. اما این موضوع در گذشته به شکل کنونی نه هیچگاه رواج داشته و نه مسأله‌ای بوده که در آن زمان موجب تباهی جامعه بشری شود. اما در دنیای امروز سوغات این اعتیاد با رواج انواع گوناگون این مواد افیونی به صورت سنتی و صنعتی در جوامع بشری، موجب پدیدار شدن قیافه‌های پزمرده، افسرده، چشمان به گودی نشسته، خانواده‌های از هم پاشیده، کودکان مجرم، بزهکاری ساده یا خطرناک، خودکشی، فحشا، تجاوز، فقر و... شده است. بنابراین پدیده اعتیاد نسبت به تمامی افراد و بخصوص نسبت به اطفال و نوجوانان جدای آنکه آسیب جدی بر پیکر خانواده و اجتماع وارد می‌کند؛ موجب ایجاد کجروی‌هایی چون سرقت نیز می‌شود که یک مسأله اجتماعی است.

بنابراین جدای این موضوع که در باید به این سؤال پاسخ دهیم که پیامدهای تداوم مصرف مواد مخدر چیست، می‌بایست بررسی نماییم که مسئله ارتکاب انحرافات اجتماعی نظیر «اقدام به سرقت» در کنار «اقدام به تکدی‌گری»، «اقدام به خرید و فروش مواد مخدر»، «اقدام به خود فروشی برای تأمین هزینه مواد» نیز در کنار این موضوع مطرح می‌شود. (دانش 1392: 138)

۱-۱- تبیین ارتباط میان اعتیاد به مواد مخدر و ارتکاب جرم

ارتکاب جرم به عنوان یک رفتار غیرمتعارف معمولاً تحت تأثیر عوامل مختلفی انجام می‌شود. در واقع انسان برای ارتکاب جرم باید زمینه‌ها و بسترهای شخصیتی، روحی، روانی، فردی، خانوادگی و اجتماعی گوناگونی را داشته و یا به دست آورد و سپس با گذر از مراحل گوناگون از شخصیت سازگار به یک شخصیت نامتعادل تبدیل شود که در این صورت وقوع برخی حوادث در کنار وجود برخی عوامل می‌تواند ارتکاب جرم را برای وی آسانتر و سریعتر نماید. بر اساس پژوهش‌های گوناگون مواد مخدر و جرم، ارتباط لاینفکی با یکدیگر دارند. تحقیقی که توسط اویس و همکاران در سال ۲۰۲۵ در نیجریه و با بررسی ۸۰۰ جوانان معتاد به مواد مخدر انجام شده، نشان داد که سوء مصرف مواد، به ویژه ماری جوانا، الکل و مواد استنشاقی، ارتباط نزدیکی با جرایم مرتبط با سرقت دارد (اویس و همکاران، ۲۰۲۵: ۲۰۰). به نظر می‌رسد که شخص معتاد در ابتدا اغلب استعمال مواد مخدر را به قصد تفریح و سرگرمی و یا حتی در برخی مواقع از روی کنجکاو و ... انجام می‌دهد و پس از مدتی چنان به مواد وابسته می‌شود که به‌طور دائم به مصرف آن فکر می‌کند تا جایی که در اکثر موارد حاضر است برای استعمال و رسیدن به این لذت کاذب، دست به ارتکاب هر جرمی بزند. انسانی

که قرار بود اشرف مخلوقات روی زمین باشد اکنون همه عمر، توان، انرژی و استعداد خود را روی ارتکاب جرایمی متمرکز می‌کند تا بتواند با تهیه هزینه مواد، لحظاتی را در عالم بی تفاوتی و شادی کاذب سپری کند (کوثری نیا، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۲) در این سالها متأسفانه دامنه‌ی افرادی که از مواد مخدر استفاده می‌کنند و به سبب آن مرتکب جرم نیز می‌شوند در میان اطفال و نوجوانان افزایش قابل توجهی داشته است^۱، از این رو این امر موجب شده تا مصرف کنندگان مواد مخدر، در مقایسه با افراد غیر مصرف کننده مرتکب جرائم بیشتری شوند بنابراین مرتکبین جرائم گوناگون در مقایسه با افراد غیر مجرم، مواد مخدر بیشتری مصرف می‌کنند. (علیزاده، ۱۳۸۹: ۴۲).

۱-۱-۱- مواد مخدر و بزهکاری

اعتیاد بلای خانمان‌سوزی است که در تمام کشورهای جهان بخصوص ایران قربانیان بسیاری را به دام خود می‌کشد. رابطه استعمال مواد مخدر و بزهکاری یک رابطه علی و معلولی است. از این رو بالارفتن آمار هولناک جرائمی مانند قتل، سرقت و...، در میان افراد گوناگون بخصوص اطفال و نوجوانان نشان از بالارفتن تعداد معتادین و رخنه نمودن آنان در گروه‌های اطفال و نوجوان جامعه دارد. اثرات حاد، مزمن و تجمعی مواد مخدر می‌تولند ارتکاب برخی از جرائم را برای مرتکبین آن تسهیل نماید. چراکه برخی از این مواد می‌تواند قدرت تصمیم‌گیری و حس اخلاقی افراد را تضعیف و قدرت تشخیص خوب و بد موضوع را در لحظه‌ی استفاده از مواد مخدر از آنها سلب نماید. افراد درگیر به مواد افیونی در استفاده از این مواد، نوع یا ناهنجاری‌های رفتاری و اعمال بزهکارانه را به یک شکل انجام نمی‌دهند. برخی از آنها همزمان با استعمال مواد مخدر از اعمال بزهکارانه پرهیز نموده درحالی‌که برخی دیگر با مصرف مواد مخدر به سوی اعمال بزهکارانه روی می‌آورند این افراد حتی در اخلاقی و بی‌نظمی عمومی و اعمال جنایتکارانه نیز گاهی جری‌تر عمل می‌نمایند. (رحمدل، ۱۳۹۷: ۱۸) بنابراین در این بخش به بررسی رابطه میان مواد مخدر با بزهکاری می‌پردازیم.

۱-۱-۱-۱- ارتکاب جرم در معتادین

مطالعات انجام شده در خصوص اعتیاد، نشان از این موضوع دارد که وقوع رفتارهای بزهکارانه ناشی از این پدیده امری اجتناب ناپذیر است و اعمال بزهکارانه معتادان و مرتبطن با دیگر جرائم مواد مخدر از قبیل قاچاق، حمل و نگهداری بسیار زیاد و متنوع است؛ (شکاری و افتخاری، ۱۳۹۳: ۱۸۹) همچنین این موضوع در کشورهای بسیاری که خود دولت اقدام به در اختیار قرار دادن مواد مخدر به معتادان می‌کند نیز، موجب آن نشده تا اعمال بزهکارانه کاهش

1

یابد، بنابراین رابطه اعتیاد و بزهکاری یک رابطه عمومی، دائمی و غیرقابل اجتناب است. از سوی دیگر این رفتار مجرمانه صرفاً جنبه اقتصادی و مادی ندارد و ناشی از ناهنجاری‌های رفتاری است. زمینه ارتکاب بسیاری از جرائم در جامعه بر اثر اعتیاد به مواد مخدر است این امر به گونه‌ای است که بسیاری از مجرمان خود از عوامل توزیع و پخش مواد مخدر می‌باشند یا دست کم آن را تجربه کرده‌اند. در کنار این موارد آموزش‌های نادرست ناشی از حضور در اجتماع، تخلفات اکتسابی و فقر همگی از دیگر عواملی است که باعث گرایش افراد به مواد مخدر و در پی آن ارتکاب انواع بزه و جرم شده است. (گاسوپ، ۲۰۰۵: ۲۹۶)

با نگاهی به آمار زندانیان ایران و روند افزایش شمار زندانیان بخصوص جرائم مربوط به مواد مخدر، نشان از این موضوع دارد که ارتباط تنگنگی بین اعتیاد و جرم وجود دارد. از این رو جرم شناسان در طبقه بندی مجرمان معتاد، آنان را به سه گروه طبقه بندی نموده و بیان داشته‌اند:

- ۱- فعالیت غیرقانونی در امر تهیه مواد مخدر از طریق سرقت، اقتدار جنایی علیه دیگران و ارتکاب جرم در جهت منافع شخصی و مواردی از قبیل ضرب و جرح، تخریب اموال و قتل.
- ۲- فعالیت غیرقانونی در امر تهیه مواد مخدر از طریق باج گیری و شرارت، قماربازی، خودفروشی و روسپی گری در زنان و ارتکاب اعمال نامشروع.
- ۳- دستگیری به سبب ارتکاب جرائم مواد مخدر مانند اعتیاد، خرید و فروش، حمل و نگهداری. به نظر برخی جرم شناسان، معتاد همواره در معرض ارتکاب جرم قرار دارد و هر معتاد در طول ۲۴ ساعت مرتکب حداقل یک یا دو جرم می‌شود. البته برخی معتادان که از ملائت کافی برخوردارند و از طبقه مرفه جامعه هستند، از ارتکاب اعمال بزهکارانه پرهیز می‌کنند. گرچه همین گروه، از نظر رعایت آداب و اخلاق اسلامی و رعایت احکام شرعی مانند انجام به موقع واجبات و یا پرهیز از محرمات نمی‌توانند حالت عادی و معمولی داشته باشند.

۱-۱-۲- گرایش به ارتکاب جرم در معتادین

امروزه با توجه به پیشرفت تمدن و تغییر تدریجی شیوه زندگی و رفاه بیشتر افراد جامعه، عوارض و معضلاتی نیز در این روند پیش می‌آید. بروز بیماری‌های روانی و سیر تدریجی آن منجر به ایجاد رفتارها و عادت‌هایی در انسان می‌گردد که بعضاً کنترل و ترک آن بسیار مشکل و گاهی غیر ممکن است. طبق تحقیقی که با موضوع دلایل، آثار و شیوه های کنترل سوء استفاده از مواد مخدر در هند انجام شده است مواد مخدر می‌توانند وضعیت روانی معتاد را تغییر داده و وی را مستعد انجام جرائمی کنند که هنجارهای اجتماعی آنها را نامناسب،

نامطلوب و مضر برای زندگی افراد و جامعه تعریف کرده است (فاطمیما، ۲۰۱۷: ۱) اعتیاد انسان به مصرف داروها و مواد مخدر از جمله این عادت‌هاست. این افراد علاوه بر این که به خود آسیب وارد کرده‌اند معضلات اجتماعی از جمله سرقت و... را نیز موجب شده‌اند (حسن پور، ۱۳۹۷: ۲).

در مقایسه دوره اعتیاد با دوره بعد از درمان و یا دوره ترک اعتیاد که ارتکاب جرم کمتری در آن اتفاق افتاد، شواهد نشان از این دارد که مصرف مواد علت جرم است و حتی کاهش جرم از طریق کاهش دسترسی به مواد نیز وجود دارد، چراکه مصرف کنندگان معتاد، بیشتر برای تأمین نیازهای مالی برای پرداختن به عادت‌هایشان، مرتکب جرم می‌شوند. این از این رو، اعتیاد علت جرم است (علیپوردی نیا، ۱۳۹۳: ۵۳).

مطالعه ای که در سال ۲۰۲۲ در کشور سوئد به انجام رسیده است نشان می‌دهد که حدود یک چهارم جوانانی که درمان سرپایی اعتیاد را آغاز می‌کنند، در یک بازه زمانی یکساله از شروع درمان مرتکب جرم می‌شوند و مشکلات مستمری در ارتباط مصرف مواد داشتند و سه چهارم از همین جوانان به جرایم مرتبط با مواد مخدر متهم شده بودند (اندربرگ و همکاران، ۲۰۲۲: ۴۰۶).

معتادان معمولاً سرقت‌های ساده نیز انجام می‌دهند و شایع‌ترین نوع بزهکاری در زنان نیز سرقت از منزل و مغازه‌ها است. اما گاهی اوقات با سرکردگی یک نفر، باندهای مخرب سرقت و تهیه و توزیع مواد افیونی خصوصاً روان گردان‌ها را تشکیل داده و همچنین به قتل‌هایی که این افراد در راستای سرقت انجام می‌دهند نیز باید اشاره کرد (جلالی، ۱۳۸۶: ۶۷).

در حقیقت از دیدگاه جرم‌شناسی اعتیاد، به منزله‌ وصف رفتار بزهکاران معتاد، نمایانگر حالاتی خطرناک است که می‌تواند زمینه ساز جرم‌هایی دیگر باشد، مانند سرقت و سایر جرائم باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۷۱). به عبارتی احتساب اعتیاد به عنوان یکی از عوامل تشدید کننده ارتکاب جرم یک اصل ثابت شده قلمداد می‌شود. این در حالیست که در گرایش به ارتکاب جرم نیز اعتیاد به عنوان اصلی‌ترین عامل کاملاً مورد تأیید قرار گرفته است.

وقتی افراد معتاد برای رسیدن به مواد مخدر نیاز به پول برایشان فراهم باشد مشکلی پیش نمی‌آید، اما می‌دانیم که بیشتر افراد معتاد به واسطه همین موضوع بیکار و فقیر و نیازمند تهیه پول برای خرید مواد می‌شوند و بدین گونه است که از هر راهی مثل سرقت، کلاهبرداری، آدم ربایی، زورگیری و حتی قتل استفاده می‌کنند تا به خواستشان برسند و از سوی دیگر مصرف انواع مواد مخدر فوهم‌زا و روانگردانها منشاء بسیاری از جرائم و جنایات بوده است. تأثیر مواد مخدر به ویژه از نوع صنعتی آن روی سیستم عصبی فرد مصرف کننده بسیار مخرب و ویران کننده است و

موجب توهم و گاهی پریشانی اعصاب و روان فرد و مختل کردن آن می‌شود که زمینه را برای انجام جرائم فراهم می‌سازد. (بهمن پور و افشین، 1393: 1768).

دلیل دیگر بزهکاری این افراد شاید بیکاری معتادین باشد، چراکه از دیدگاه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بیکاری یکی از ریشه‌های مهم بزهکاری و کجروی افراد یک جامعه است.

با توجه به پر منفعت بودن بازار مواد مخدر، مصرف و تولید آن رفتارهای خشونت‌آمیز را تحریک کرده و همراهی مثبتی با انواع جرائم در کشورهای در حال توسعه دارد. همچنین اثر نابرابری درآمدی بر نرخ ارتکاب جرم در مدل‌های تخمینی تأیید می‌شود. بر این اساس نابرابری درآمدی به طور غیر مستقیم دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر نرخ جرم است.

مطالعات بسیاری دیگر نیز به بررسی رابطه بیکاری و نابرابری با سرقت در ایران پرداخته و نشان می‌دهد رابطه بین متغیرهای بیکاری و سرقت مثبت است.

بیکاری علاوه بر مخارجی همچون هزینه بیمه بیکاری و هزینه‌های مربوط به کاهش مهارت و تخصص نیروی کار و سایر مخارج مستقیم و غیر مستقیم که بر اقتصاد یک جامعه می‌گذارد، دربردارنده هزینه دیگری نیز است و آن افزایش جرائم علیه اموال و مالکیت به ویژه سرقت است که به دنبال خود آثار زیان‌باری را بر جامعه تحمیل خواهد کرد (گرشاسبی 1390: 401). در واقع نتایج تحقیقات نیز نشان داده مسأله بیکاری به شدت بر روی انواع جرائم اثرگذار است، علی‌الخصوص اعتیاد به مواد مخدر شدیداً از بیکاری تبعیت می‌نماید؛ به گونه‌ای که اغلب افراد بیکار تجربه استفاده از مواد مخدر و یا به نوعی جرائم مرتبط با آن را تجربه نموده‌اند (نوری، 1395: 112).

۲-۱-۳- میزان بزهکاری

از آنجایی که افراد معتاد مجبورند که مواد مخدر استعمال کنند و تهیه این مواد نیز هزینه بردار است، بی‌شک هیچ خانواده‌ای حاضر نیست این هزینه را در اختیار فرد معتاد قرار دهد تا وی به خرید مواد افیونی مبادرت نماید و به دامنه اعتیاد خود بیفزاید؛ بنابراین اگر فرد معتاد هیچ منبع درآمد سالمی نداشته باشد، به افعال بزهکارانه خصوصاً سرقت روی می‌آورد تا از این راه هزینه‌های تهیه مواد مخدر را فراهم کند.

اما ثبت ارتکاب جرائم ممکن است وجود گرایش به ارتکاب جرم را به عنوان یکی از خصوصیات معتادین مشخص سازد؛ اما یکی از نشانه‌های مطمئن شناخت میزان فعالیت‌های بزهکارانه نیست. آمارهای کشف جرائم که جهت نشان دادن میزان شرکت معتادین در اعمال

بزهکارانه مورد استفاده قرار می‌گیرد، میزان فراوانی این جرائم را نادیده گرفته است؛ ولی مصاحبه با معتادین و ثبت اعترافات آنها، اطلاعات کاملی را در خصوص شناخت رفتارهای بزهکارانه فراهم می‌آورد.

۲-۱-۱-۴- اعتیاد به عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری:

در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مواد ۱۴۶ تا ۱۵۹ به بحث موانع مسئولیت کیفری اختصاص داده شده است. برای تحقق مسئولیت کیفری، شخص باید واجد اهلیت کیفری باشد و این توانایی در عقل، بلوغ و اختیار خلاصه می‌شود؛ یعنی تنها عاقل، بالغ و مختار را می‌توان مجازات کرد و اگر یکی از این سه ویژگی در شخص وجود نداشته باشد، وی اهلیت کیفر نخواهد داشت. در عوامل رافع مسئولیت کیفری، شخص از مسئولیت کیفری مبرا است ولی مسئولیت مدنی به قوت خود باقی است. اشخاص از جهت مسئولیت کیفری به دو گروه دارای مسئولیت کیفری و اشخاص فاقد مسئولیت کیفری تقسیم می‌شوند. عوامل رافع مسئولیت کیفری به مصادیق مختلفی تقسیم می‌شوند، مصادیقی چون جنون، کودکی، اشتباه، اجبار، اکراه اضطرار، مستی، خواب، بیهوشی که بسیاری از اساتید علم حقوق این عوامل را علل تام و علل نسبی معرفی می‌کنند.

«مسئولیت» التزام به تقبل آثار، عواقب افعال مجرمانه یا تحمل مجازاتی است که سزای افعال سرزنش‌آمیز بزهکار به شمار می‌آید؛ عوامل رافع مسئولیت کیفری را شامل کودکی، جنون، اجبار، اشتباه، مستی، خواب و بیهوشی دانسته‌اند. در چنین شرایطی به دلیل رشد نیافتگی جسمی یا روانی یا حدوث عارضه‌ای گذرا، فاعل جرم فاقد ادراک یا اختیار یا هر دو است و از این رو، رفتار ارتكابی قابل انتساب به وی نیست. بعضی از نویسندگان معتقدند در عوامل رافع مسئولیت کیفری، جرم با تمام عناصر تشکیل دهنده آن به طور کامل واقع می‌شود، ولی به علت فقدان ادراک یا اختیار یا هر دو، مسئولیت کیفری تحقق نمی‌یابد. بعضی دیگر معتقدند که «در عوامل رافع مسئولیت، در واقع، عنصر معنوی جرم محقق نشده و بدین ترتیب اصولاً جرمی تحقق نیافته است.»

برای توضیح این موضوع، اعتیاد به الکل را به عنوان مثال مطرح می‌کنیم:

در نظریه علما و رویه قضایی عموماً برای تعیین جنبه قضایی مسوولیت بین اعتیاد به الکل با مستی ساده فرق می‌دهند و در تقسیمات علمی محل محسوسه برای اختلالات دماغی ناشی از مستی یعنی استعمال عادی الکل، تریاک، حشیش، مورفین اختصاص داده شده که همان جنون خمیری یا جنون سمی است و مسلم است اگر کسی در یکی از این قبیل بحران‌ها مرتکب جرمی شود حکم دیوانه را داشته و در نتیجه غیر مسوول است.

مستی ساده گاه اتفاقی و غیر مترقبه و گاه ارادی و خطایی می‌باشد و مستی اخیر ممکن است با تصمیم قبلی به منظور ارتکاب جرم باشد و از نظر درجه شدت مستی ممکن است کامل، نیمه تمام یا جزئی باشد و برحسب درجه استعمالش نزد مرتکب ممکن است اتفاقی یا عادی باشد اگر مستی اتفاقی باشد یعنی پیش بینی نشده و برخلاف اراده باشد، روشن است که مرتکبی را که عالم به فساد یا قوه سمی مشروبی که خورده نیست نمی‌تواند بازپرسی دانست. چرا که هیچ تقصیری متوجه او نیست و فقط باید اثر مستی را در مسوولیت چنین شخصیمطالعه کرد. اگر مستی او کامل است هیچ نوع مسوولیتی نخواهد داشت ولی اگر جزئی است موجب تخفیف تقصیرش شده لکن مسوولیت را به کلی از بین نمی‌برد.

بعضی‌ها به خطا مدعی هستند که چون در قانون جزا آنجا که از جنون بحث نموده راجع به مستی سکوت مطلق اختیار کرده است منظورش خارج ساختن مستی از علل عدم مسوولیت بوده است و خصوصاً که در معاذیر قانونی مذکور در قانون هم تصریح شده است که عذر قانونی بایستی حتماً در قانون قید شده باشد این نظریه صحیح نمی‌تواند باشد زیرا اگرچه مستی در معنای فنی کلمه اختلال مشاعر نیست ولی اراده و اطلاع از عمل هم در این مورد وجود نداشته در نتیجه تقصیر موقعیت ندارد و به علاوه مستی جزو معاذیر قانونی نیست و وقتی در دفاع به مستی استناد می‌شود نمی‌توان آن را مثل معاذیر قانونی دیگر جزء سؤالات قرار داد بلکه اگر در عمل ثابت شود که مستی کاملاً عقل متهم را زایل کرده است، دادگاه باید با توجه به اوضاع و احوال و علل عدم وجود اراده مرتکب قرار منع تعقیب صادر کند و اختیارات قاضی از این حیث جزء اختیاراتی است که در مورد مطالعه مساله تقصیر دارد یعنی مساله ماهوی و تحت اختیار مطلق قاضی است.

بنابراین موضوع بحث مربوط به مسوولیت مرتکب نسبت به اعمال مجرمانه ارتكابی در حال مستی می‌شود که به خطا یا بر اثر اینکه برخلاف احتیاط به حد افراط مشروب نوشیده و یا با اراده نوشیده و حتی بدون اراده ارتکاب به جنایت یا جنحه مخصوصی عمداً خود را مست کرده است که در این مورد، دو اصل مشخص از یکدیگر وجود دارد. 1- برحسب یکی از این اصول مستی قابل رعایت نبوده است نمی‌توان بزهکار را مجاز دانست که به اتکای جرم مستی همان مستی را از اوضاع و احوال مبطل تقصیر نسبت به جرم ارتكابی دیگر داند.

این استدلال که به قدمت انسان قدیمی است مورد توجه انسان واقع شده ولی یکی از اساتید این مکتب مدعی اتکاء این اصل برخلاف روحی بین اثرات مستی و اعتیاد به الکل شده می‌گوید اعتیاد به الکل عجز حقیقی بوده می‌تواند حالت و صفت شخص را تغییر دهد و حال آنکه مستی حالت عادی را تشدید کرده تغییر حالت نمی‌دهد و مرد مست را باید فرد عادی تلقی نمود زیرا تحریکات ناشی از مشروب فقط علت اتفاقی به شمار می‌رود که ذات مجرمانه شخص را آشکار می‌سازد.

ولی این طرز فکر در اطراف مستی مخالف با نتیجه است که از ملاحظه عناصر و اثرات مستی به دست می‌آید چه شخصی که تحت تأثیر اثر سکرآور مشروب واقع می‌شود به لباس موجود دیگر درآمده حالت و اخلاقش کاملاً تغییر کرده دیگر مرد قبلی نبوده منیت و شخصیت دیگری دارد یعنی خوشحال یا غمگین سعادتمند ساده لوح قانع و متأثر رشید و جسور و ترسو و بزدل هر منیت اخلاقی که داشته باشد یا مخالف آنچه قبلاً بوده ظاهر می‌شود و یا شدیدتر از آنچه بوده جلوه می‌کند و چگونه ممکن است کسی را در چنین شرایطی تحت چنین اثراتی رفتاری نموده دارای قدرت اختیاری بدانیم که در زمان آرامش دارا بوده است.

2- به موجب اصل دیگر بزه ارتكابی در حال مستی کاملاً همیشه رافع مسوولیت کیفری است زیرا اگر مرتکباز لحاظ جرم مستی مقصر است ولی چون به هر تقدیر غیرارادی مرتکب جرم شده و قادر به تمیز وجهه اخلاقی عملش نبوده نمی‌توان او را مسوول دانست.

جمع بین این دو عقیده با توجه به درجات مختلف مستی ممکن است. یعنی در شروع مستی که شخص اعمال خود را تشخیص داده حالت عادی تغییر نکرده آنچه می‌کند می‌فهمد و چیزی که در او ضعیف شده فقط قوه مقاومت در مقابل محرکات شدید و شهوانی مسوولیت باقی است و اعمال انتسابی به چنین شخصی دارای همان اهمیت و وجهه اخلاقی است که در هوشیاری وجود دارد و در واقع در مستی ناقص اگر اتفاقی باشد، اثرش تخفیف مجازات و اگر نتیجه عادت یا بی احتیاطی یا ارادی باشد جزو عوامل مشدده است. منتهی چون این عامل مشدده در عین حال موجب ضعف اراده و قوه مقاومت مرتکب شده قاضی با رعایت عوامل مخففه و حداقل و حداکثر همیشه می‌تواند نسبت به هر موضوع تصمیم مناسبی اتخاذ نماید.

۲-۱-۱-۵- نیاز مادی و سرقت کودک:

والدین نخستین الگو و سرمشق کودک هستند و اگر آنان دزدی کنند و یا به شوخی درباره آن صحبت نمایند، کودک آن را می‌آموزد. همچنین کودک سرقت را از دوستان، همبازی‌ها و همسایگان خود می‌آموزد.

از علل‌هایی که گرایش کودک را به دزدی تشدید می‌کند، ضعف مذهبی، سقوط ارزش‌های اخلاقی، محیط اجتماعی نابسامان، عدم کنترل رفتار کودک، قحطی، بحران‌های حاصل از جنگ، زلزله و آتشفشان، زندگی در محل‌های جرم‌زا، مهاجرت، اعتیاد والدین، میل به خود نمایی و جدایی از پدر و مادر است.

مسأله دزدی کودکان از مسائل مهم تعلیم و تربیت است. دزدی کودک و برخورد با آن برای بسیاری از خانواده‌ها و مدرسه‌ها مسأله ساز و بحث انگیز است و توجه نهادهای تربیتی گوناگون و نیز دستگاه قضایی هر جامعه‌ای را به خود جلب کرده است.

وقتی سرقت با لهجازی و دروغگویی همراه باشد، واکنش نسبت به ناسازگاری کودک با محیط خانواده و انتقام جویی از والدین محسوب می‌شود. گرسنگی عاطفی به گرسنگی فیزیولوژیک دامن می‌زند. با دزدی و خوردن خوراکی متنوع یا پوشیدن و استفاده از وسایل مختلف این گرسنگی عاطفی را پوشش می‌دهد.

بعضی وقت‌ها کودک، دزدی را از پدر و مادر خود تقلید می‌کند. به عنوان نمونه پدری که وسایل اداره را برای مصارف شخصی به منزل می‌آورد، دزدی را به فرزندش می‌آموزد.

گاهی اوقات بچه‌ها چیزی را می‌دزدند که آرزو دارند داشته باشند. در مورد دزدی نوجوانان باید عواقب جدی تر دزدی را به آنها نشان داد

۲-۱-۲-۱- رابطه اعتیاد و سرقت

هر ارتکاب جرمی تحت تأثیر عوامل مختلفی اتفاق می‌افتد و برای ارتکاب به جرم بسترهای مختلفی از جمله اجتماعی، خانوادگی، شخصی و... نیاز است تا شخصیت بهنجار فرد به شخصیتی نابهنجار تبدیل شده و فرد خاطی مرتکب جرم شود و در این راه عوامل مختلفی از جمله عوامل بیرونی و حاشیه‌ای جریان وقوع جرم را تسهیل می‌نمایند. مواد مخدر و اعتیاد ناشی از آن نیز به مثابه یک عامل خارجی گذر از این مراحل و وقوع جرم را تقویت می‌کند اما این تصور که صرف مصرف مواد مخدر خود به تنهایی سبب وقوع جرم شود نظریه‌های محکم و قابل دفاع نیست و فرد باید از جهات دیگر از جمله فرهنگی، اقتصادی، تربیتی و... آمادگی ارتکاب جرم را داشته باشد تا مواد مخدر و اعتیاد ناشی از آن نیز بتواند تأثیر مورد نظر را گذاشته و وقوع جرم را قطعی نماید.

مواد مخدر و مشکلات ناشی از آن امروزه به مشکل ملی در کشورها و معضلی بزرگ در سطح بین‌المللی تبدیل شده است.

رابطه مواد مخدر و جرائم ناشی از آن غیر قابل انکار است که این جرائم به 2 دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول جرایمی است که رابطه مستقیم با مواد مخدر دارند مانند حمل و فروش مواد مخدر و دسته دوم جرایمی است که رابطه غیرمستقیم با مواد مخدر دارند و به اصطلاح جرائم ناشی از مصرف نامیده می‌شوند مانند سرقت و قتل. (نقشبندی و دیگران، 1395: 11)

رفتار قهرآمیز و تحقیر آمیز دوستان و آشنایان و اعضای خانواده منجر به بی احترامی نسبت به فرد معتاد شده و به مرور با افزایش اشتباهات و تخلفات و جرائم کوچک برچسب منحرف به معتاد زده می‌شود. این برچسب در اکثر مواقع منجر به بروز احساس فنا و ناامیدی معتاد می‌شود و در نتیجه به ارتکاب جرائم منتهی می‌شود (شیرزاد، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

در این میان همین امر سبب ارتکاب جرائم دیگر می‌شود؛ چنانچه با تکرار جرم، فرد معتاد به مجرم سابقه دار تبدیل شده و جهت تأمین نیاز مالی خود و به منظور خرید مواد مخدر به هر نوع عمل مجرمانه‌ای اقدام می‌کند.

با بروز رفتار قهرآمیز و رانده شدن معتاد که توأم با برچسب خوردن است دیگر معتاد در بین افراد سالم اجتماع جایی ندارد و ناچار برای تسلی خاطر خود و کمک متقابل برای رفع مشکل به افراد نایاب و معتاد گرایش می‌یابد و با گروه‌های هم درد مانند سارق و... متحد می‌شود. (حسین پور، ۱۳۹۱: ۹۹).

در این میان اعتیاد و سرقت خرد به صورت نزدیکی با هم ارتباط دارند. اکثر معتادان حتی در خانواده‌های مرفه گرایش عجیبی به جرائم خرد دارند. از کیف همسرانشان و حتی قلک بچه‌های خود هم پول برداشته و بعضی وسایل به خصوص جواهرات را مخفیانه به فروش رسانیده و فقدان آن را گم شدن عنوان می‌کنند. جرائم خرد یکی از جرائم پر تعدد جامعه ما است که اعتیاد در وقوع آن به عنوان یک علت مؤثر نقش دارد (حسین پور، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

فرد معتاد در اوایل برای تهیه مواد مخدر برای تدخین از درآمد و دارایی‌های خود استفاده می‌کند و زمانی که نقدینگی خود را از دست داد؛ چنانچه شغلی هم داشته باشد آن را هدر می‌دهد. شواهد زیادی نیز رابطه بین مصرف انواع مواد و انواع مختلف جرائم را تأیید می‌کنند، به نحوی که مصرف مواد مخدر با میزان بالایی از ۴ نوع جرم (دزدی از مغازه‌ها، دزدی‌های شبانه، حمل و نقل و عرضه مواد) ارتباط معنادار داشته و کسانی که الکل، ماری جوانا^۲ و مواد سخت^۳ مصرف می‌کنند به طور معناداری درگیر فعالیت‌های کجروانه می‌شوند. (علیوردی نیا، ۱۳۹۳: ۲۹)

۲-۳- تأثیر مصرف مواد مخدر توسط اطفال و نوجوانان بر ارتکاب جرم سرقت تعزیری
به طور کلی تعداد سرقت کودکان و نوجوانان نسبت به سایر جرائم به اندازه‌ای زیاد است که حتی می‌توان بحث جرائم کودکان و نوجوانان را به سرقت‌های ارتكابی آنان اختصاص داد که در بسیاری از موارد حتی این جوانان و نوجوانان برای خودشان هم سرقت نمی‌کنند بلکه

^۲ Marijuana

^۳ Hard drug

برای رئیسشان سرقت می‌کنند که خودشان سهم ناچیزی از این سرقت نصیبشان می‌شوند. در مراکز تحقیقات و کشف جرائم پلیسی اصطلاحات ویژه‌ای براساس موضوع سرقت، مال مسروقه و شکل کار وجود دارد، اما گاهی این عامل در نتیجه اعتیاد تشدید می‌گردد.

سرقت‌هایی که به وسیله اطفال و نوجوانان بر اثر استعمال مواد مخدر انجام می‌شود، اغلب در زمره جرائم سرقت تعزیری می‌باشد. اگر کار به همین منوال ادامه یابد، چه بسا طفل نابالغ بر حسب عادت، به تکرار اینگونه سرقت‌ها ادامه داده و رفته رفته به یک سارق زبردست مبدل گردد. (صلاحی، 1389: ۴۸).

رسیدگی ماهوی و شکلی به جرائم مربوط به سرقت ناشی از مصرف مواد مخدر از جانب اطفال و نوجوانان همانند سایر جرائم ارتكابی، طبق مقررات مندرج در فصل دهم از بخش دوم کتاب کلیات قانون جدید مجازات اسلامی تحت عنوان «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» صورت می‌گیرد.

۲-۳-۱- تأثیر مصرف مواد مخدر بر شکل ارتکاب جرم

با توجه به اثبات رابطه اعتیاد و ارتکاب سرقت در کودکان و اطفال، مسئله مهم‌تر تأثیر مواد مخدر و آثار آن بر روح و روان فرد و در نتیجه ارتکاب جرائم خشن‌تر در این قشر است؛ که در ادامه به این آثار در نحوه ارتکاب جرم اشاره خواهیم نمود:

۲-۳-۱-۲- تأثیر مصرف مواد مخدر بر ارتکاب جرائم سرقت مشدد، مسلحانه یا همراه با آزار و اذیت

همانطور که گفته شد به دلیل تأثیر مواد مخدر بر افزایش خشونت اطفال و کودکان، سرقت‌های ارتكابی این دسته از افراد جامعه نیز خشن‌تر است. (معظمی، 1395: 122). چنانچه شاخص‌های ناامنی اجتماعی یعنی میزان سرقت مسلحانه، سرقت به عنف زورگیری، دعوا و قتل با میزان شیوع اعتیاد به مواد مخدر رابطه مستقیم دارد.

این امر در میان سارقان مسلح نیز صادق است؛ چنانچه بیشتر این افراد (76 درصد) معتاد بوده که عمدتاً سوءسابقه فراوانی نیز در زمینه بروز جرائم خشن دارند (سرکوهی، 1396: 202).

چنانچه در این بین اعتیاد به مواد مخدر ارتباط زیادی با سابقه آزار و اذیت جنسی زنان دارد و بین اعتیاد مردان علی‌الخصوص نوجوانان و خشونت علیه زنان رابطه معناداری وجود دارد به این صورت که اعتیاد مردان رابطه مستقیمی با بروز خشونت علیه زنان داشته است (ارجمند سیاهپوش، 1389: 116).

البته با اینکه برای این نمی‌توان مواد مخدر را به تنهایی علت استفاده از خشونت در سرقت دانست؛ اما این امر بر عموم افراد جامعه روشن است که اعتیاد به قدری در تضعیف اراده و

تخریب شخصیت انسان مؤثر بوده که بسیاری از افراد پا از ابتلای به آن، علیرغم اینکه می‌دانند در ورطه بسیار خطرناکی واقع شده‌اند، ولی به جهت ضعف اراده، نمی‌توانند خود را از منجلا ب کثیف و خانمانسوز اعتیاد رهایی بخشند و حتی حاضرند در حین سرقت مرتکب قتل و تجاوز نیز بشوند (صفا، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

خود این قاچاق مواد مخدر و استفاده از نوجوانان این حوزه آمار سایر جرائم را نیز بالا برده است؛ به نحوی که نتایج تحقیقات میدانی نیز ثابت کرده است که این افاد به قاچاق نیز روی می‌آورد. در این میان نقش قاچاق مواد مخدر بسیار برجسته و بیش از سایر عوامل است که شاخص‌های ناامنی اجتماعی دیگری نظیر سرقت مسلحانه، آدم ربایی، قتل و سرقت به عنف (زورگیری) را گسترش داده است.

که همین موضوع زمینه سرقت مسلحانه را نیز به طور عجیبی در مناطق پررونق قاچاقچیان افزایش داده است. در شاخص قتل عمد نیز که تا حد زیادی از الگوی قاچاق مواد مخدر (کشف و ضبط مواد مخدر) و پیامدهای آن سرقت مسلحانه و آدم ربایی تبعیت می‌کند؛ همین مسئله صادق است.

موضوع دیگر همراهی ارتکاب جرم سرقت با انجام سایر جرائم اوسط نوجوان معتاد است؛ بدین توضیح که نه تنها این جرائم بلکه این نوجوانان در حین اینکه ممکن است دست سرقت‌هایی می‌زنند، اما در حین سرقت نیز ممکن است هر کاری را انجام بدهد؛ چنانچه ممکن است در اثر مصرف شیشه توهم بزند فردی را به قتل برساند و یا مثلاً در حین درگیری به منظور سرقت، افراد را تکه تکه کنند. در واقع به منظور فراهم نمودن پول مواد مخدر، سایر جرائم را نیز در کنار سرقت مرتکب می‌شوند (پورسینا، ۱۳۹۷: ۱۷۳).

۲-۴-۳- سرقت از وسایل نقلیه

در میان سرقت‌های ارتکابی توسط اطفال و نوجوانان معتاد به مواد مخدر، می‌توان به سرقت از وسایل نقلیه اشاره نمود. رابطه مستقیم و معناداری بین مصرف مواد و سرقت داخل خودرو می‌باشد و مصرف کنندگان معتاد، بیشتر برای تأمین نیازهای مالی جهت پرداختن به عاداتشان، مرتکب جرم سرقت از وسایل خودرو می‌شوند.

سارقان وسایل خودروها برای تفریح یا به جهت اعتیاد، دست به این عمل می‌زنند. برخی که اقدام به سرقت وسایل از خودروها می‌نمایند، برای تفریح و خوشگذرانی دست به سرقت می‌برند؛ این دسته عموماً جوانان یا نوجوانانی هستند که قصد ایجاد جایگاه و خودی نشان دادن در میان همسن و همسالان خود دارند. عده‌ای دیگر از نوجوانان و اطفال با آگاهی از

اینکه وسایل و قطعات خودروهای به سرقت رفته برای تعمیر دیگر خودروها به کار برده می‌شوند، در جهت تأمین مواد مخدر اقدام به سرقت از وسائط نقلیه می‌نمایند.

یکی از انگیزه‌های معتادین از سرقت خودرو می‌تواند تجارت مواد مخدر از طریق خودرو باشد، این نوع از سرقت معتادان خودرویشان را در قبال مواد مخدر معامله می‌کنند سپس فروشنده مواد مخدر از ماشین برای انتقال مواد مخدر یا حتی شرکت در جرائم دیگر استفاده می‌کند اگر خودرو بازگردانده نشود یا توسط نیروی انتظامی شناسایی نگردد، فرد معتاد گزارش دزدی ماشین را می‌دهد و اگر ماشین دارای بیمه باشد، با گرفتن حق بیمه برای خرید مواد مخدر بیشتر اقدام می‌کند حال اگر ماشین برگردانده شود، فرد معتاد همین فرایند را دوباره برای خرید مواد مخدر بیشتر تکرار می‌کند.

۲-۴-۶- سرقت از مدرسه

عدم وابستگی به مدرسه و تلاش برای خروج از آن منجر به ارتکاب جرائم در مدرسه و بزه دیده واقع شدن کودکان دیگر می‌شود که این امر توسط نوجوانان و اطفال در محیط آموزشی ممکن است به دلیل اعتیاد صورت گیرد؛ به طوری که طیف رفتار ارتكابی دانش آموزان، ممکن است از موارد جزئی نقض مقررات مدرسه مانند سیگار کشیدن و شلوغ کاری در مدرسه تا جرائم جدی نظیر حمله، دزدی، ایجاد حریق، استعمال مواد مخدر، ضرب و جرح و تخریب اموال مدرسه را در برگیرد.

حال در خصوص وضعیت کودک در صورت ارتکاب جرم تعزیری ساده مواد 88 و 89 ق.م.ا مصوب 1392 تعیین تکلیف نموده است.

در رابطه با این دو ماده قانونی ملاحظه می‌شود که قانون گذار موارد ذیل را مد نظر قرار داده است:

۱- سیاست جنایی افتراقی، یعنی تفاوت قائل شدن بین مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان از یک طرف و افراد بالغ زیر ۱۸ سال از طرف دیگر و همچنین اتخاذ تدابیر قانونی جداگانه در مورد افراد بالغ ۱۸ سال به بالا. در این مورد قانون گذار به شرح مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا. در مورد گروه اول صرفاً اقدامات تأمینی و تربیتی و در مورد گروه دوم مجازات‌ها و سایر اقدامات تقسیمی و تکمیلی و مانند آن را لحاظ کرده است. این امر یکی از تحولات قانون گذاری در جهت انطباق نسبی با کنوانسیون جهانی حقوق کودک محسوب می‌شود.

۲- تعیین سن شخص برای اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی ملاحظه می‌شود که قانون گذار کودکان و نوجوانان را به چند گروه سنی تقسیم کرده و برای هر گروه به طور جداگانه تعیین تکلیف نموده است. جالب توجه این که در مورد جرائم تعزیری، ملاک حد نصاب

سنی، بر حسب هجری شمسی دانسته شده و در مورد حدی و قصاص ملاک سنی بر حسب هجری قمری است. در این مورد به سه گروه سنی اشاره شده است:

۱-۲ اطفال زیر 9 سال تمام شمسی، این گروه فاقد مسئولیت کیفری بوده و در صورت ارتکاب جرم تعزیری، هیچگونه اقدام تأمینی و تربیتی در مورد آنها پیش بینی نشده است. در واقع این سن به عنوان سن کف مسئولیت کیفری در مورد جرائم تعزیری محسوب می‌شود:

۲-۲ اطفال و نوجوانان 9 تا 15 سال تمام شمسی، این گروه صرف نظر از اینکه بالغ باشند یا خیر، چنانچه مرتکب جرم سرقت تعزیری شوند، تحت یکی از تدابیر موضوع ماده 88 ق.م.ا. قرار می‌گیرند. اتخاذ یکی از این تدابیر توسط دادگاه الزامی است ولی انتخاب هر یک از آنها اختیاری است، غیر از نگهداری در کانون اصلاح و تربیت که در مورد اطفال و نوجوانان 12 تا 15 سال اگر مرتکب جرم تعزیر درجه یک تا پنج شده باشند الزامی است (معظمی، ۱۴۰۱: 298).

۲-۳ نوجوانان بین 15 تا 18 سال تمام شمسی، در مورد این گروه مطابق ماده 89 ق.م.ا. اعمال مجازات می‌شود.

اما قانون گذار هر چند از عبارت «مجازات» در مورد این گروه استفاده کرده است ولی با توجه به تدابیر مذکور در این ماده به نظر می‌رسد که تنها جزای نقدی صبغه مجازات دارد و مابقی تدابیر تأمینی محسوب می‌شوند. انواع مجازات و تدابیری که درم 89 ق.م.ا. در مورد این گروه پیش بینی شده است.

الف) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به طور مستمر و به مدت معین.

ب) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به طور منقطع و دو روز آخر هفته

ج) نگهداری اجباری در خانه در ساعاتی که دادگاه تعیین می‌کند.

د) ارائه خدمات عمومی که بیش از چهار ساعت در روز نباشد.

ه) جزای نقدی به میزانی که درم 89 مشخص گردیده است.

البته قانون گذار کیفیت و ضمانت اجرای نگهداری در خانه را پیش بینی نکرده است. به نظر می‌رسد که این موضوع باید در آیین نامه‌ی اجرایی قانون مشخص گردد.

در آخر باید اضافه کنیم؛ با توجه به قانون مجازات اسلامی 1392 در مورد جرائم اطفال و نوجوانان امکان تجدید نظر در تصمیمات دادگاه و تفسیر آنها نیز وجود دارد همینطور امکان تخفیف مجازات و تبدیل اقدامات تأمینی و تربیتی به اقدام دیگر و امکان تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات. البته انجام خدمات عام المنفعه در سرای سالمندان، مراکز بهزیستی و سایر مراکز خدمات اجتماعی از جمله احکامی است که با توجه به مقتضیات پرونده، قضات دربارهی کودکان بزه کار صادر می‌کنند. این گونه احکام غالباً در مورد جرایمی است که مستحق مجازات تعزیری می‌باشند مانند سرقت اما به دلیل شرایط خاص کودکان از جایگزین‌های مجازات استفاده می‌شود (کرمانی، 1393: 178) جزای نقدی به علت سهولت اجرا از رایج‌ترین و حبس پایان هفتگی از نادرترین جایگزین‌ها می‌باشند. حرمت مصرف مواد مخدر امری مسلم است؛ اما اینکه آیا می‌تواند همانند مستی عامل تخفیف و رافع مسئولیت اطفال قرار گیرد یا خیر باید گفت، کارشناسان مواد مخدر بر این اعتقاد دارند که فرآورده‌های حشیش و تریاک که مورد سوء مصرف قرار می‌گیرند به طور قطع از مسکرات هستند، زیرا برای مدت زمانی عقل را زایل می‌کند و انسان را به مرحله حیوانی و بی‌خودی ساقط می‌کند. اما به ظن می‌رسد ملاک در تشخیص مسکر از غیر مسکر و خمر از غیر خمر، عرف می‌باشد. در نظر عرف نمی‌توان مواد مخدر را عین مسکر دانست تا احکام مختلف آن را بر مواد مخدر بار نمود. در عین حال با نظر به روایات خمر و مسکرات و فلسفه و علت حرمتی که برای آنها بیان شده، شاید بتوان از باب تنقیح مناط، حکم حرمت خمر و مسکرات را به مواد مخدر سرایت داد. زیرا تمام علت و فلسفه حرمت خمر را که در روایات صحیحیه آمده است، امروزه به روشنی در استعمال مواد مخدر می‌یابیم (فرهانی نژاد و احمدی، ۱۳۹۴: ۷۹).

سرقت کودکان یکی از دغدغه‌های اصلی در جوامع معاصر است و تبدیل به یکی از کانون‌های مهم توجه پلیس، قانون و سیستم عدالت کیفری شده است. رابطه بین سن و جرم برای نخستین بار به واسطه بررسی آمارهای رسمی مشخص شد و بر اساس همین آمارها «سن بحرانی» جرم برای مجرمان مذکر ۱۸ و برای مجرمان مؤنث تنها ۱۵ است. به نظر می‌رسد که بعد از عبور افراد از سن بحرانی یک کاهش پیوسته یا یک الگوی مقاومت در مقابل تمایل افراد برای ارتکاب به جرم به وجود می‌آید. رابطه بین سرقت کودکان و جرم توسط تحقیقات خودگزارشی نیز تأیید شده است.

جرم‌شناسان، طیف وسیعی از توضیحات را برای سرقت اطفال پیشنهاد نموده‌اند. جرم‌شناسان روان‌شناس استدلال کرده‌اند که در کودکی دوره‌ای از آشفتگی و بحران اجتناب‌ناپذیر است و چنین اختلالی به مشارکت اطفال در جرم کمک می‌کند. تئوری‌های روان‌شناسی رشد ادعا می‌کنند که افراد با حرکت از دوران کودکی به بزرگسالی، مراحل متعددی از یادگیری اخلاقی را پشت سر می‌گذارند و تنها با بلوغ است که افراد به طور کامل قادر به درک و اعمال اصول اخلاقی برای تنظیم رفتار خود و دیگران هستند. بر این اساس، کودکان احتمالاً در بازه‌ای به دلیل عدم بلوغ اخلاقی بر اساس انگیزه‌های خود عمل می‌کنند و درک درستی از تأثیر اعمال خود بر دیگران ندارند. از منظری اجتماعی‌تر، جرم‌شناسان رشد ادعا می‌کنند که بین سرقت جوانان و مواردی چون بی‌توجهی به کودکان توسط والدین، اختلاف والدین و ازهم‌گسیختگی و فروپاشی خانواده هم‌بستگی قوی وجود دارد. از این رو سرقت اطفال جامعه‌پذیری ناموفق و نبود کنترل‌های مناسبی است که معمولاً توسط روابط خانوادگی اعمال می‌شوند. در نقطه مقابل، دیدگاه‌های مبتنی بر خرده‌فرهنگ‌ها و پیوندهای افتراقی در مورد جرم، بر لزوم قرارداد جرم در چارچوب عضویت در گروه‌های اجتماعی تأکید می‌کنند. گروه‌هایی که افراد به آن تعلق دارند، دارای باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های مشترک و درعین حال متمایز از جامعه هستند و این خرده‌فرهنگ متمایز است که رفتار مغایر با هنجارها و قوانین اجتماعی را تأیید می‌کند و پاداش می‌دهد. به واسطه ارتباط با خرده‌فرهنگ‌های مجرم و منحرف، کودکان نه تنها فنون ارتکاب جرم را یاد می‌گیرند، بلکه نگرش‌ها و ارزش‌هایی را درونی می‌کنند که چنین رفتارهایی را پشتیبانی می‌نمایند و اعتبار می‌بخشند. کودکانی از لایه‌های اجتماعی اقتصادی پایین‌تر، که خود را از دسترسی به راه‌های مورد تأیید اجتماع برای دستیابی به احترام و جایگاه محروم می‌بینند؛ در عوض ارزش‌های مخالف خود را فرموله می‌کنند که بر قانون‌شکنی به‌عنوان منبعی برای احترام اجتماعی تأکید می‌کند.

بهرامی محمود، پوربافرانی حسن، شکرچی زاده محسن. سیاستگذاری در اعتیاد: مطالعه رابطه‌ی اعتیاد و تأثیر مواد مخدر توسط اطفال و نوجوانان در ارتکاب جرم سرقت در ایران. *فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران*: 4(4): e232597. doi: 10.30510/pscci.2025.526589.1294 , 1404

منابع:

کتب

- ۱- حبیب زاده، محمدجعفر (۱۴۰۳)، سرقت در حقوق کیفری ایران و مطالعه تطبیقی، چاپ پنجم، تهران: نشر دادگستر.
- ۲- رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۴۰۲)، کلیات جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- ۳- رحمدل، منصور، (1397)، سیاست جنایی ایران در قبال مواد مخدر، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- صلاحی، جاوید (1389)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
- ۵- ساگانت، والرئ، شاو، مارگارت (1392)، پیشگیری از جرم و امنیت جامعه، سیر وقایع و چشم‌اندازها، گزارش بین‌المللی 2010، تهران: مرکز تحقیقات کاربردی معاونت اجتماعی ناجا.
- ۶- علیزاده، علیرضا، (1389)، مواد مخدر و جرم (ترجمه: ریچارد همرسلی)، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- ۷- گسن، ریموند (۱۳۹۷)، جرم‌شناسی (ترجمه: دکتر مهدی کی‌نیا)، چاپ دهم، تهران: انتشارات مجد.
- ۸- معظمی، شهلا (۱۴۰۱)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ سیزدهم، انتشارات دادگستر.
- ۹- نوربها، رضا (۱۳۹۲)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ نهم، تهران: انتشارات دادآفرین.

مقاله

- ۱- آقابابایی، حسین، رضایی زادفر، بهزاد (1393)، جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر در پرتو اصل پدرسالاری حقوقی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره 1، شماره 1، صص 1-164.
- ۲- بهمن پوری، عبدالله، افشین، سید فاضل (1393)، بررسی نقش اعتیاد در تکرار جرم، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی، صص 1-10.
- ۳- پورسینا، محمد (1397)، مدل مفهومی عوامل روانی-اجتماعی زمینه ساز ارتکاب جرم، ارائه یک مطالعه داده بنیاد، دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال هفتم، شماره 31، صص 151-181.

- ۴- جزینی، علیرضا، (۱۳۹۴)، تأثیر مواد مخدر و روان گردان‌ها بر امنیت اجتماعی، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، دوره ۲، شماره ۷، صص ۹-۴۰.
- ۵- جلالی، غلامرضا، جلالی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، پیشگیری از روان گردان در سایه پیشگیری از مصرف روان گردان‌ها، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم (علمی - ترویجی)، شماره ۲۱، صص ۶۹-۹۸.
- ۶- حسن پور، منا، عبداللهی، داوود، (۱۳۹۷)، تأثیر اعتیاد بر پرخاشگری کودکان، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی، دوره ۱، صص ۱-۱۰.
- ۷- حسینی قربان، علی اصغر (۱۳۷۷)، مروری بر جرم شناسی سرقت، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال چهارم، شماره ۴۷، صص ۱۱-۱۶.
- ۸- حسینی نژاد، مرتضی (۱۳۸۴)، بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده‌های تلفیقی: مورد سرقت، مجله برنامه و بودجه، سال دهم، شماره ۶، صص ۳۵-۸۱.
- ۹- حسینی، محمد (۱۳۹۷)، تأثیر عوامل «زیست شیمیایی» در سیر صعودی منحنی سن - جرم نوجوانان بزهکار، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴۸، شماره ۱، صص ۶۳-۸۳.
- ۱۰- حیدری، علی مراد، (۱۳۹۳). مصونیت خانوادگی در جرایم علیه اموال و مالکیت. فصلنامه فقه و اصول، دوره ۴۶، شماره ۲ - شماره پیاپی ۹۷، صفحه ۹۷-۱۲۰.
- ۱۱- دانش، پروانه، ملکی، امیر، نیازی، زهره، (۱۳۹۲)، نظریه زمینه‌ای درباره اعتیاد زنان معتاد زندانی در زندان مرکزی اصفهان، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره اول، شماره ۴، صص ۱۲۵-۱۴۵.
- ۱۲- سرکوهی، اسماعیل (۱۳۹۶)، واکاوی سرقت‌های مسلحانه بانک، فصلنامه پژوهش‌های انتظامی اجتماعی، سال نهم، شماره ۳، صص ۱۹۱-۲۱۸.
- ۱۳- شاکر سلطان احمدی، سیامک، شالباف، علی، رهبری بنائیان، صمد، علی نژاد، ایلناز، امیرپور، حیدر (۱۳۹۶)، تحلیل تأثیر جنبه‌های روانی و اجتماعی در بروز سرقت، فصلنامه پژوهش‌نامه کاربردی روانشناختی، دوره اول، شماره ۸، صص ۱۰۹-۱۲۵.
- ۱۴- شکاری، حامد، افتخاری، علی، (۱۳۹۳) بررسی اپیدمیولوژیک مجرمان مصرف کننده مواد روان گردان در زندان مرکزی ارومیه. مجله پزشکی قانونی ایران. ۲۰ (۴): ۱۸۷-۱۹۲.
- ۱۵- شیرزاد، جلال، نجفی امانی، وحید (۱۳۹۳)، رابطه اعتیاد به مواد مخدر با وقوع جرایم خرد، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال نهم، شماره ۳، صص ۱۲۱-۱۴۳.

- ۱۶- صفا، داوود، فولادی، حفیظ الله (1395)، مطالعه کیفی علل و زمینه های سرقت از منازل و تأثیر آن بر نظم و امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهر قم)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره 7، شماره 1، صص 125-154.
- ۱۷- عرب نژاد، فاطمه، (۱۳۹۰)، عوامل مرتبط با خشونت و سابقه آن در بین جوانان 18-35 سال زندان کرمان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره 43، صص 71-95.
- ۱۸- علیوردی نیا، اکبر (1393)، بررسی رابطه اعتیاد به مواد مخدر و سرقت داخل خودرو (مطالعه موردی شهر تهران)، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ششم، شماره 1، صص 27-29.
- ۱۹- فانی، رضا (1396)، بررسی سوء مصرف مواد و خشونت خانوادگی، همایش پیگیری از خشونت چاش ها و راهکارها، صص 1-11.
- ۲۰- فرح بخش، حامد (1381)، سرقت اطفال، مجله کانون اصلاح و تربیت، سال اول، شماره 10، صص 3-6.
- ۲۱- فرهانی نژاد، مرجان، احمدی، محمد مهدی (1394)، بررسی مصادیق مسکرات با مصادیق جدید، فصلنامه مطالعات فقهی و فلسفی، سال ششم، شماره 23، صص 59-82.
- ۲۲- کرمانی، فرناز (۱۳۹۳)، بررسی رویه و نگرش قضات دادگاه های اطفال تهران به جایگزین های مجازات حبس، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره 65، صص 157-180.
- ۲۳- گودرزی، طیبه (1394)، تأثیر اعتیاد مردان در خشونت خانوادگی (با تأکید بر خشونت علیه زنان)، دانش انتظامی کرمانشاه، سال ششم، شماره 20، صص 1-11.
- ۲۴- مداح، مجید و خیرخواهان، ابراهیم، (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم در بین مجرمان سرقت و مواد مخدر، فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، سال نهم، شماره 4، صص 9-26.
- ۲۵- معظمی، شهلا، (1395)، بررسی جرم سرقت مقرون به تهدید و آزار (مطالعه موردی: زندان های تهران)، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، صص 121-149.
- ۲۶- مهاجرپور، امیرمحمد، شکوه پوربابایی، شیرین حشمتی، و سید مهدی صابری. (۱۳۹۵). «فراوانی ارتکاب جرائم خشن ناشی از مصرف مواد محرک روان شیشه در مراجعه کنندگان به واحد معاینات روان پزشکی اداره کل پزشکی قانونی استان تهران در سال ۱۳۹۲».

- ۲۷- نوری، رضا، بابائیان، علی (۱۳۹۵)، شناخت تأثیر بیکاری در گرایش جوانان به اعتیاد با تأکید بر عوامل جمعیت شناختی شهر همدان سال ۹۴، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی استان همدان، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۰۱-۱۳۴.
- ۲۸- نقشبندی، سیده نرمین و دیگران (۱۳۹۵)، تأثیر اعتیاد بر نرخ ارتکاب جرم در ایران، کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و مهندسی، صص ۱-۱۰.
- ۲۹- ویسی، هادی، محمدی نژاد، شهناز (۱۳۹۵)، تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: استان کرمان)، فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۴۲، صص ۱۰۷-۱۲۵.
- ۳۰- یحوی دیزج، جعفر، محمدزاده، یوسف، حکمتی، صمد، حسین یعقوبی، فرید (۱۳۹۷)، رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب های اجتماعی در کشورهای منتخب با رویکرد گشتاوردهای تعمیم یافته، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هجدهم، شماره ۶۸، صص ۱۶۷-۱۹۹.

پایاننامه

- ۱- ارجمند سیاهپوش، اسحق (۱۳۸۹)، بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر اهواز، مجله تخصصی جامعه شناسی، سال اول، پیش شماره ۳، صص ۹۱-۱۱۸.
- ۲- حسین پور، عبدالعزیز (۱۳۹۱)، اعتیاد نوجوانان به مواد مخدر و تأثیر آن بر بزهکاری آنان، تهران: دانشگاه پیام نور استان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق.
- ۳- کوثری نیا، فاطمه، (۱۳۹۰)، تحلیل و بررسی جرایم مربوط به مواد مخدر در شهرستان کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده حقوق.
- ۴- گرجیان، بهمن (۱۳۷۹)، مواد مخدر و بزهکاری، مجله پزشکی قانونی ایران، شماره ۱۹، صص ۷۵-۸۲.

منابع عربی

- ۱- اصفهانی، محمدبن حسن (۱۴۲۴)، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، جلد ۱۰، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲- لنکرانی، شیخ محمد (۱۴۲۲)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (الحدود)، جلد ۸، الطبعة الثانية، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار.

- Ashfaq, Muhammad. (2024). Understanding the Relationship between Violence and Drug Use among School Students: Pathway to Peace Education. 8. 404-417. 10.35484/pssr.2024(8-II-S)35 -۱
- Anderberg, M., Dahlberg, M., & Wennberg, P. (2022). Criminality among Young People With Substance Use Problems in Sweden: A One-Year Follow-Up Study. *Journal of Drug Issues*, 52(3), 406-420. <https://doi.org/10.1177/00220426211046596> -۲
- Bennett, T. and Holloway, K (2005), Disaggregating the Relationship Between Drug Misuse and Crime, *Australian and New Zealand Journal of Criminology*, 38. -۳
- Caputo, Gail & King, Anna. (2015). Shoplifting by Male and Female Drug Users: Gender, Agency, and Work. *Criminal Justice Review*. 40. 10.1177/0734016814568012 -۴
- Fatima I. Drug Abuse among Youth: Causes, Effects and Control. *J Integ Comm Health* 2017; 6(1): 1-5. ISSN: 2319 - 9113 -۵
- Gossop M, Trakada K, Stewart D, Witton J (2005). Reductions in criminal convictions after addiction treatment: five-year follow-up. *Drug and Alcohol Dependence*, 79, 295-302 -۶
- Mohd Norarshad Nordin, Tarmiji Masron, Norita Jubit, Nuremyliana Yunos (2022). The Spatial Relationship between Drug Abuse and Home Burglaries: Northeast District of Penang. *International Journal of Current Science Research and Review*, 5(7), 2312-2325 -۷
- Uwais, Idrees & Obumneme, Inyama & Sulaiman, Usman & Maijama'a, Maryam & Gwani, Abdullatif. (2025). The Effects of Substance Abuse and Youth Involvement in Property Crime in Nigeria. *International Journal of Education, Culture, and Society*. 3. 200-218. 10.58578/ijecs.v3i1.4796. -۸